

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حرفه‌جینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژنسی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژنسی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



اپوزیسیون یا سازشگر؟

عادل فردوسی پور و برنامه نود با صحبت‌های اصغر پورمحمدی دوباره بر سر زبان‌ها افتادند



سپهر خرمی
گزارشگر ورزشی هم‌میهن

عادل فردوسی پور چرا حذف شد؟ این سوالی است که طی چهار سال اخیر بارها و بارها از مسئولین سیاسی و غیرسیاسی کشور پرسیده شده که چرا عادل به یکباره کنار رفت و برنامه نود تعطیل شد. مجری ای که یکی از پر بیننده‌ترین برنامه‌های تاریخ صداوسیما را در اختیار داشت و حالا خبری از آن برنامه و دوشنبه‌های جنجالی نیست. تعطیلی برنامه نود که قطعاً رده و نمی‌توان تاریخ را تحریف کرد اما به‌واقع عادل فردوسی پور هم حذف شد؟ واژه‌ی «حذف» معنای مشخصی دارد و نمی‌توان تفسیر مختلفی از این کلمه داشت. بررسی این ادعا نیازمند تحلیل برنامه‌هایی است که عادل فردوسی پور طی ۴ سال اخیر ساخته یا در آن برنامه‌ها نقش پررنگی داشته است: برنامه‌هایی که نیازمند اخذ مجوزهایی از سوی نهادهای ذی‌صلاح است.

دور روایت مناقض

طی سالیان اخیر روایت‌های مختلفی از کنار گذاشته شدن برنامه نود از سوی مسئولان اعلام شده اما روایت آخر از این جهت حائز اهمیت است که از سوی اصلی‌ترین حامی فردوسی پور طی ۱۷ سال حضور نود در شبکه سه مطرح شده است. اصغر پورمحمدی که سال‌ها ریاست شبکه سوم سیما را برعهده داشت، دلایل مختلفی را بیان می‌کند که به‌مرور باعث شد برنامه نود به‌کل تعطیل شود. پورمحمدی اشتباه اصلی فردوسی پور را سیاسی کردن برنامه‌ی نود می‌داند و معتقد است، این گزارشگر محبوب فوتبال در برنامه‌ی نود از دایره‌ی انصاف خارج می‌شد. پورمحمدی که بارنامه‌ی اینترنتی قاف گفت‌وگویش منتشر شده می‌گوید، فردوسی پور سر مسائل بی‌مورد ۴۵ دقیقه آنتن را می‌گرفت، اما ساعت یک‌بامداد، مکالمه‌تلفنی با علی‌کفایشان که رئیس فدراسیون بود را بهانه‌کمبود وقت، قطع می‌کرد یا در شب ولادت حضرت زهرا، برای درگذشت ناصر حجازی لباس مشکی پوشید. موضوع اصلی و البته پر حاشیه‌ی مصاحبه پورمحمدی در خصوص تلاش‌های فردوسی پور برای تعطیلی نود بود: «در دوره‌ی ضرغامی چند بار آقای ضرغامی خیز برداشت که برنامه‌ی نود تعطیل شود و به ما می‌گفت، یک فیلم سینمایی برای بخش آماده کنید، امشب نود نداریم؛ برای اینکه فردوسی پور را در چارچوب بیاورند. اما دو، سه ساعت مانده به برنامه، نظرسنجی می‌شد و می‌گفت، نود را بخش کنید. ادعای پورمحمدی در حالی مطرح می‌شود که طبق ادعای رئیس اسبق شبکه سه سیما، عزت‌الله ضرغامی نیز در چند مقطع بدش نمی‌آمد برنامه نود تعطیل شود، با این حال، ضرغامی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ گفته بود فردوسی پور برای سازمان صداوسیما زحمات بسیاری کشیده و باید تعامل بیشتری نسبت به او از سوی مسئولان رخ می‌داد. عزت‌الله ضرغامی، رئیس سابق صداوسیما در برنامه‌ی باغ رمضان سال ۱۳۹۹ چنین گفته بود: «عادل فردوسی پور خدمات زیادی به صداوسیما کرده است. عادل پیشنهادها می‌دهد و ما میلیون‌ها راه‌خاطر صداوسیما کرد. در ۱۰ سالگی که با عادل کار کرد، او را بسیار موفق می‌دانم. باید از تصمیم‌گیران بپرسید که چرا کارش را در شبکه ۳ ادامه نداد. عادل هیچگاه پرسش‌های دانشگاهی‌اش را زیر سوال نبرد. اما با این حال بنده از پشت پرده‌های تعطیلی برنامه‌نود، خیلی خبر ندارم.»

تصمیم فردی یا سازمانی؟

عموم مردم چنین برداشت کرده‌اند که با ورود محمدعلی فروغی به سازمان صداوسیما، کل کل‌ها با فردوسی پور و اختلاف عقیده این دو نفر در نهایت منجر به پایان برنامه نود شد؛ موضوعی که پورمحمدی به‌عنوان حامی همیشگی عادل بنوعی آن را رد می‌کند: «یک‌سال پس از مدیریت آقای سرفراز، او هم تصمیم گرفت که برنامه را تعطیل کند اما به عمر مدیریت‌اش در سازمان، کفاف نداد. در دوره‌ی آقای علی‌عسگری هم صداوسیما از عملکرد فردوسی پور راضی نبود. در دوره‌ی مدیریت فروغی در شبکه‌ی سه بین فردوسی پور و اختلافات و دعواها با لاگراف و

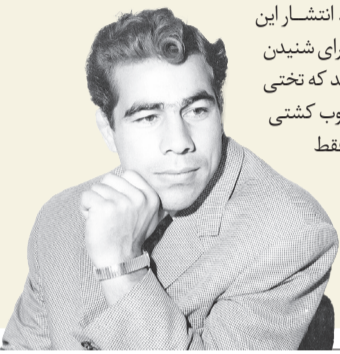


چهره

صدای تختی شنیده شد

مراسم جشن سده المپیک در حالی با حضور قهرمانان المپیک و مسئولین ورزش کشور برگزار شد که کمیته ملی المپیک برای اولین بار صدای مرحوم جهان پهلوان تختی را منتشر کرد. از مرگ تختی آنقدری نمی‌گذرد که صدایی از او ثبت نشده باشد. اما ظاهراً برخلاف عکس و فیلم‌هایی که از او در آرشیو تاریخ وجود دارد، هیچ صدایی از او تاکنون موجود نبود و شنیده نشده اما حالا پس از ۶۰ سال از «تنها صدای باقی مانده از جهان پهلوان غلامرضا تختی» رونمایی شد. این گفت‌وگوی کوتاه از استاد بهمنش با جهان پهلوان تختی در المپیک ۱۹۶۴ توکیو است که تختی در آن می‌گوید: «به مردم

ایران تعظیم می‌کنم». انتشار این خبر و شوق مخاطبان برای شنیدن صدای او، نشان می‌دهد که تختی هنوز یک اسطوره محبوب کشتی در کشور ماست که فقط کشتی‌هایش دیدنی نبود، حرف‌هایش هم شنیدنی بود.



رخداد ورزش

صدور امتیازی

ملی پویشان ایران با نمایش هجومی مقابل امارات و زدن دو گل سالم و سه گل مردود به برتری رسیدند. ملی پویشان فوتبال ایران موفق به کسب پیروزی چهار بر یک در شروع کارشان در جام ملت‌های آسیا در برابر فلسطین شدند و پس از آن هم هنگ‌کنگ را با یک گل شکست دادند تا صعودشان را از گروه C قطعی کنند، اما شاگردان امیر قلعه‌نویی دیشب هم با یک نمایش هجومی و زدن دو گل توسط مهدی طارمی و سه گل مردود در مقابل دریافت یک گل، به برتری ۲ بر یک برابر امارات رسیدند تا ۹ امتیازی شوند و صدرنشینی را حفظ کنند و به استقبال دیدار بعدی در دور حذفی با سوریه بروند. علیرضا بیرانوند هم در این بازی یک پنالتی اماراتی‌ها را مهار کرد. رقیب ایران در مرحله بعدی تیم ملی سوریه خواهد بود.



تاریخ

عهدنامه لویی چهاردهم و شاه سلطان حسین

در سال ۱۶۶۴ میلادی، از طرف لویی چهاردهم و شرکت فرانسوی هند شرقی، هیئتی سه‌نفره نزد پادشاه ایران اعزام شد. نمایندگان مزبور دستور داشتند از خاک عثمانی به‌طور ناشناس عبور کنند.



آنها در ژوئیه ۱۶۶۵ به اصفهان رسیدند و در مراسم مفصل و شکوهمندی، به دربار پادشاه صفوی - شاه عباس دوم - راه یافتند. بعدتر شاه سلطان حسین صفوی در زمان سلطنت خود پیمانی را با لویی چهاردهم - مقتدرترین پادشاه وقت اروپا - امضاء کرد که از لحاظ رعایت منافع ایران و ایرانی، کمتر نظیر داشته است. ۲۴ ژانویه سال ۱۷۰۴ میلادی، لویی چهاردهم - پادشاه وقت فرانسه - تصمیم خود را دایر بر انعقاد یک پیمان دو جانبه با ایران، اعلام داشت. تمایل لویی چهاردهم در همین سال توسط فرستاده او به ایران، در اصفهان به اطلاع شاه سلطان حسین صفوی رسید. این پیمان تنظیم و بعدتر به امضای دو پادشاه رسید. به‌موجب این پیمان، دولت فرانسه قبول کرده است که از اتباع ایران و منافع این دولت در کشورهای دیگر حمایت کند و کشتی‌های فرانسوی هنگام حمل بار، برای بارگیری مال‌التجاره ایرانیان اولویت قائل شوند.

ناصر آدیپوش، درگذشت؛ انسان، دشواری و وظیفه است...



مهرداد خدیر
معاون سردبیر

ناصر آدیپوش - از مبارزین سال‌های پیش از انقلاب و از فعالان بی‌ادعا و مورد وثوق در سالیان بعد - که در یکی از خانواده‌های اصیل تهران پرورش یافته و نام او با چند موضوع تاریخی گره خورده بود دربی مدتی بیماری چشم از جهان بست.

نام او که از متن به حاشیه‌رفته بود پس از آن دوباره بر سر زبان‌ها افتاد که از قول او گفته شد: «امیر انتظام، جاسوس نیست»

سخن‌گوی دولت موقت که به اتهام جاسوسی به زندان افتاد خود در یادداشتی در چهلمین روز بازداشت نوشته بود: «امروز صبح آقایان ناصر آدیپوش و سعید باقری به دیدن آمدند، دیدن آن‌ها که تنها امید من برای تماس با خارج از این چهاردیواری است، همیشه امیدبخش است.» و جای دیگر هم اضافه کرده بود: «انسان‌ترین این گروه هستند»

این اشارات به خاطر آن بود که بخشی از دوره بازداشت خود در ساختمان پشستی سفارت آمریکا در تهران را به گفت‌وگو با آن‌ها گذرانده بود. سعید باقری (با نام واقعی محمدحسین متقی) که پرونده را به انتقاد آدیپوش در اختیار داشت پیش‌بینی کرده بود امیرانتظام تا زمان انتخابات ریاست‌جمهوری (بهمن ۱۳۵۸) در آنجا خواهد ماند و بعد آزاد خواهد شد.

ناصر آدیپوش هم نماینده دادستان در سفارت آمریکا بود و باقری (متقی) در آن مصاحبه به او اشاره می‌کند: «شهید قدوسی، دادستان کل انقلاب، آقای ناصر آدیپوش را به این اعتبار که قبلاً با مهدی هادوی همکاری کرده بود، به عنوان نماینده خود در سفارت آمریکا منصوب کرد و به او اعتماد کامل داشت. قدوسی را من از قم می‌شناختم و ارتباط با او بیشتر از آدیپوش بود ولی قدوسی، آدیپوش را از طرف دادستانی انقلاب اعزام کرد تا ادعاهای دانشجویان را بررسی و موضوعات را به او منعکس کند. این مأموریت آدیپوش تنها به موضوع امیرانتظام ربط نداشت بلکه راجع به همه مسائل سفارت آمریکا بود. حتی شامل مسائل مربوط به کارمندان سفارت هم می‌شد. آدیپوش باید می‌دیدم مطالب مطرح شده چقدر وجهت قانونی دارد آنچه را موجه می‌دانست، بازپرسی کند و پرونده‌ای تشکیل دهد و به دادستانی بفرستد... دانشجویان هم نمی‌توانستند بر ما فشار وارد کنند چون از جنس خودشان بودیم اما متأثر از جو نبودیم اما دانشجویان در کوران این جو بودند.»

باری، سخن از ناصر آدیپوش است و جدای ماجرای امیرانتظام نام او یادآور حسن آدیپوش هم بود. حسن اما که بود؟ حسن آدیپوش یکی از دو قهرمان داستان واقعی [به‌فلم دکتر علی شریعتی است: «قصه حسن و محبوبه»]. شریعتی این قصه را پس از کشته شدن حسن آدیپوش و همسرش - محبوبه متحدین - نوشت که در سال ۱۳۵۵ کشته‌شدند.

محبوبه متحدین یکی از اولین دختران ایرانی در دهه ۵۰ خورشیدی بود که پوشش بینابین «مانتو روسی» بر تن کرد و بعد از انقلاب ۵۷ نام او بر مدرسه عالی دختران نشست به جای فرح.

بعد از انقلاب وقتی فاش شد آن دو به مارکسیسم گرویده بودند ستایش‌های قبلی کمرنگ شد و قبل از آن که این بحث گسترده شود قضایای ۶۰ پدید آمد که سبب حذف اسمی مجاهدین اولیه هم شد و آن نام هم تغییر کرد و این تغییر با ارتقای مدرسه عالی دختران به دانشگاه مقارن و مدرسه عالی دختران محبوبه متحدین به دانشگاه الزهرا تبدیل شد. ربط ناصر آدیپوش به این قصه همان نسبت برادری است و با نق‌های متفاوت فکری از حیث افراط و میانه‌روی؛ چراکه ناصر هیچ‌گاه به ورطه افراط نیفتاد و از دایره مسلمانی هم بیرون نرفت و نام او بیشتر به‌عنوان کسی ثبت شد که در روزهای تنهایی امیرانتظام که تنها هم‌پندس بازگان از او دفاع می‌کرد ناصر آدیپوش نیز هم‌داستان جاسوس پنداران او نشد.

در نیمه‌دهه ۶۰ بازگان جایی نقل کرد آیت‌الله قدوسی در اول شهریور ۱۳۶۰ شخصاً به او قول حل مشکل امیرانتظام را داده ولی گفته بود: «فرد مورد اعتماد من نظر شما را درباره‌ی او تأیید می‌کند منتها اولاً باید مراحل قانونی قضایی طی شود. ثانیاً فضای بسیار ملتهب سیاسی قدری آرام گیرد.»

اندک زمانی بعد اما نه‌تنها با ترور رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر در ۹ شهریور فضا ملتهب‌تر و تندتر شد که خود دادستان کل هم به شهادت رسید و امیرانتظام تنهاتر شد تا پاییز ۷۷ که با ورزش نسیم اصلاحات به مرخصی آمد و بازگشت اگر چه رسماً آزاد نشد و این ناصر آدیپوش بود که نه پیش از انقلاب تحت تأثیر هیجانات حسن قرار گرفت و نه بعدتر جو به شدت منفی پس از اشغال سفارت بر او اثر گذاشت و سال‌های بعداً نیز به سلامت و میانه‌روی سپری کرد و به‌یاری آن‌را با تنهایی و البته به‌گونه‌ای متفاوت با زندانی سابق پرداخت و خود شاید مصداق دیگری شد از شعر بامدادشاعر:

تنهایی/ تنهایی عریان /
انسان، دشواری و وظیفه
است...

